

**تبیین عوامل مؤثر بر ارتقای سطح مردم‌گرایی در محلات سنتی  
(مورد مطالعه: محلات استادسرا، چله‌خانه و پیرسرا شهر رشت)\*  
شیوا فولادی<sup>۱</sup>، علی‌اکبر سالاری‌پور<sup>۲</sup>**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۱۳

**چکیده**

زندگی معاصر در شهرهای پرجمعیت با کاهش شدید تعاملات اجتماعی میان شهروندان به‌ویژه در روابط همسایگی مواجه شده است. درحالی‌که در گذشته در محلات سنتی همواره زندگی جریان داشته و اهالی در کنار هم مانند اعضای یک خانواده زندگی می‌کردند. استفاده از واژه‌های مردم‌گریز و مردم‌گرا اولین بار توسط اسموند مطرح شد و بعدها نظریه‌پردازان دیگر نیز از مفاهیم مشترک مردم‌گرایی سخن به میان آورده‌اند. هدف پژوهش حاضر دستیابی به مؤلفه‌هایی از فضای شهری است که بر میزان مردم‌گرایی محلات سنتی شهر رشت مؤثر هستند. روش تحقیق بر اساس هدف کاربردی و بر اساس جمع‌آوری اطلاعات به روش اسنادی و پیمایشی میدانی است. همچنین ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۵۰ پرسش مرتبط با متغیرهای پژوهش است. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل ساختاری تحلیل عاملی تأییدی و روش برآورد حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و SMART PLS3 بهره گرفته شد. ساکنین محلات سنتی شهر رشت جامعه آماری و ساکنین محلات استادسرا، چله‌خانه و پیرسرا به منظور انتخاب نمونه آماری در نظر گرفته شدند. داده‌های پژوهش نیز از ۲۶۵ نفر از ساکنین محلات مذکور جمع‌آوری شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که به‌ترتیب معیارهای دلبستگی اجتماعی، تجمع‌پذیری، زیبایی و دلپذیری، همه‌شمول بودن، خوانایی، پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی و هندسه و ابعاد فضا بر ارتقای سطح مردم‌گرایی محلات سنتی استادسرا، چله‌خانه و پیرسرا در شهر رشت مؤثر هستند.

**واژگان کلیدی:** اجتماع‌پذیری، شهر رشت، مردم‌گرایی، محلات سنتی، محله.

\*مقاله علمی - پژوهشی، مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان «ارتقای سطح مردم‌گرایی در فضای شهری، مطالعه موردی: مراکز محله‌های سنتی شهر رشت»، دانشگاه گیلان، دانشکده هنر و معماری (حمایت مالی شهرداری رشت)

۱ کارشناس‌ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان، [shiva.fooladi71@gmail.com](mailto:shiva.fooladi71@gmail.com)  
۲ استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)، [salaripour@guilan.ac.ir](mailto:salaripour@guilan.ac.ir)

**Exploring the factors affecting the Sociopetality in Traditional  
Neighborhoods of Rasht  
(Case Study: Ostadsara, Chelekhane and Pirsara)\***

Shiva Fouladi<sup>1</sup>, Aliakbar Salaripour<sup>2</sup>

Received January 2, 2021      Accepted April 12, 2021

**Abstract**

Unlike the traditional lifestyle that was associated with extensive public interactions comparable to those among family members, contemporary life in densely populated cities has witnessed a sharp decline in social interactions among Citizens in general, and neighborhoods in particular. Words of sociopetal and sociofugal for the first time raised by Osmond that some other scientists have commented on that later. The present study was an attempt to detect urban space elements that affect the level of sociopetal in traditional neighborhoods of Rasht. A 50- item questionnaire related to research variables was used for data collection purposes. Confirmatory Factor Analysis and the partial least square method were used within the framework of SPSS and SmartPLS3 software to analyze the data. People living in traditional neighborhoods of Rasht were recognized as population of the study and residents of Ostadsara, Chelekhane and Pirsara neighborhoods were considered as samples of the study. Research data were collected from 265 residents of the afore-mentioned neighborhoods. The results showed that social attachment, sociability, Beauty and comeliness, inclusiveness, readability, prediction and creation of social events, and the geometry and dimensions of space can improve the level of sociopetal in Ostadsara, chelekhane and Pirsara neighborhoods in declining order of significance.

**Keywords:** Sociability, Sociopetal, Neighborhood, Traditional Neighborhoods, Rasht city.

---

\* The scientific research paper, Extracted from master's thesis entitled “ Exploring the factors affecting the Sociopetality in Traditional Neighborhoods of Rasht (Case Study: Ostadsara, Chelekhane and Pirsara)”, Faculty of Art and Architecture of Guilan University and the support of Rasht Municipality

3. Master of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, University of Guilan, shiva.fooladi71@gmail.com

4. Assistant Professor Department of Urban Planning, Faculty of Art and Architecture, University of Guilan, salaripour@guilan.ac.ir (Corresponding Author )

### مقدمه و طرح مسئله

یکی از مهم‌ترین نیازهای ابتدایی انسان ارتباط و تعامل اجتماعی با دیگران است. برقراری ارتباط و تعامل اجتماعی می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط میان ساکنان یک فضا باشد (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۳). کنش‌های متقابل روزمره به عوامل مختلفی از جمله روابط و مناسبات ظریف که در قالب کلمات بیان می‌شوند و آنچه از طریق شکل‌های گوناگون ارتباط غیرکلامی به دیگران منتقل می‌کنیم، بستگی دارد (گیدنز<sup>۱</sup>، ۱۳۹۰: ۱۲۰). بارکر<sup>۲</sup> تعاملات اجتماعی در فضاهای فعالیت را به‌عنوان قابلیت برای فضا در نظر داشته و همواره بر ماهیت جمعی رفتاری فضاهای فعالیت تأکید کرده است. با سازمان‌دهی و چیدمان فضایی مناسب می‌توان به سطح مطلوبی از تعاملات جمعی و خلوت متناسب با فعالیت‌های موجود در فضا دست یافت (کرمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۷).

محلّه سنتی ایرانی در قالب یک واحد اجتماعی پویا و با هویت، فرهنگ سکونت مبتنی بر شرایط بومی را از دوران کودکی و در قالب حضور در فضاهای محله و بازی و ارتباط با هم‌سالان به ساکنین خود انتقال می‌داد (دانشپور و سالاری پور، ۱۳۹۶: ۱۳۴). انسان به‌عنوان مهم‌ترین عامل در پویایی فضای شهری، نیازمند بستری مناسب به‌منظور حضور در فضای شهری است و همواره با ایجاد ساختارهایی در شهر نیاز خود به برقراری روابط و تعاملات اجتماعی را برآورده کرده و امکان ارتباطات چهره‌به‌چهره را فراهم کرده است. محله به‌عنوان فضای شهری مکان سکونت و اشتغال ۷۰۰-۱۲۵۰ خانوار با شعاع دسترسی پیاده (۴-۵ دقیقه) تعریف می‌شود (رحیمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۶). محله‌ها دارای عناصر شاخصی هستند که باعث ایجاد تعاملات اجتماعی می‌شوند و به‌عنوان مکان‌هایی برای حضور انسان‌ها لازم است تا جهت ارتقا کیفیت و سرزندگی آن‌ها تمهیداتی اندیشیده شود (رحیمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۹۵). فضای عمومی محله اولین مکان برقراری رابطه انسان با اجتماعش بوده و در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه جامعه‌شناسان، برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گرفته است (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴: ۹۴). با توجه به تحقیقات صورت گرفته، ساختار محیط محله و طراحی فیزیکی آن در بهبود تعاملات اجتماعی مؤثر است. همچنین مدت‌زمان سکونت در محله رابطه مستقیم و

1 Anthony Giddens

2 Barker

مثبتی با شدت تعاملات اجتماعی دارد؛ زیرا هرچه در یک محله ساکنان مدت بیشتری سکونت داشته باشند، فرصت بیشتری برای آشنایی ساکنین با یکدیگر وجود داشته و موجب بالا رفتن درجه تعامل اجتماعی آنها می‌شود (احقر و رادفر، ۱۳۹۴: ۱۷).

واژه‌های مردم‌گرا<sup>۱</sup>، اجتماع‌پذیر یا اجتماع‌دوست یا گردآورنده و مردم‌گریز یا پراکنده‌کننده یا اجتماع‌گریز بیانگر کیفیت فضایی است که مردم را گرد هم می‌آورد و یا از هم دور می‌کند. این واژه‌ها اولین بار توسط اسموند<sup>۲</sup> (۱۹۵۷) زمانی که مدیر بیمارستان ساسکاچوان بود مطرح شد (لنگ<sup>۳</sup> و مولسکی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰: ۹۵).

در کشور ما محلات امروزی توانایی پاسخگویی نیازهای اجتماعی را نداشته است، به‌گونه‌ای که شاهد عدم حضور و بازی کودکان در فضاهای باز محلات هستیم و همچنین ساکنین با یکدیگر غریبه هستند. در گذشته محلات سنتی همواره شاهد حضور مردم بوده و ساکنین با یکدیگر در ارتباط بودند، روابط همسایگی وجود داشته و فضاهای باز محله همواره مملو از اهالی در حال صحبت بوده و کودکان نیز مشغول بازی‌های خود بودند (سالاری‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۱).

رشت شهری است که دارای هویت اجتماعی و تاریخی غنی و پتانسیل‌های طبیعی و کالبدی فراوانی است. اما بی‌برنامگی در خصوص بازآفرینی محله‌های سنتی و قدیمی شهر باعث کاهش سطح مردم‌گرایی و محوریت انسان در این محله‌ها شده و این مسئله‌ای است که در بسیاری از شهرهای ایران به چشم می‌خورد. در شهر رشت به‌خصوص در محله‌های اطراف پیاده‌راه شهرداری، فضاها و محله‌ها آکنده از اتومبیل شده و فقط محلی برای گذر هستند و اهالی محله برای فرار از ترافیک اتومبیل‌ها به ساختمان‌ها پناه می‌برند. این موضوع سبب از بین رفتن هویت اجتماعی و کاهش سطح مردم‌گرایی در محله‌های سنتی شده است. از آنجایی که محله‌های سنتی شهر رشت با سبک سکونت اجتماعی مبتنی بر فرهنگ محلی، از میراث‌های مهم تاریخی، هویتی و اجتماعی این شهر هستند، پژوهش حاضر محلات استادسرا، چله‌خانه و پیرسرای شهر

1 Sociopetal  
2 Osmond  
3 Lang  
4 Moleski

رشت را مورد بررسی قرار می‌دهد تا با بررسی عوامل مؤثر بر مردم‌گرایی در این محله‌ها نسبت به ارزیابی این عوامل و آسیب‌شناسی آن اقدام شود.

هدف نوشتار حاضر سنجش و ارزیابی مؤلفه‌هایی از فضای شهری است که بر میزان مردم‌گرایی محلات سنتی شهر رشت مؤثر هستند و سبب ارتقای تعاملات اجتماعی در فضای شهری می‌شوند. همچنین سعی بر این است که مدلی منسجم از مؤلفه‌های محیطی مؤثر بر مردم‌گرایی و اجتماع‌پذیری محلات سنتی با روابط مشخص ارائه شود. از این رو، سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه چه عواملی بر سطح مردم‌گرایی مراکز محله‌های سنتی شهر رشت تأثیرگذار هستند؟ همچنین آیا میزان مردم‌گرایی در سه محله استادسرا، چله‌خانه و پیرسرا متفاوت است؟

### مبانی و پیشینه نظری

انسان معاصر تمام شبانه‌روز را به کارهایی متنوع و بسیار به‌گونه‌ای اختصاص داده که زمان همیشه کم است. در نتیجه نیاز به فضاهایی که آرامش را به فرد برگردانند و بستری برای پاسخگویی به نیازهای متعالی او باشد بسیار احساس می‌شود.

اهمیت مردم‌گرایی فضاها به‌حدی است که بسیاری از نظریه‌پردازان بر تأثیر این کیفیت بر دلبستگی به مکان زندگی تأکید ورزیده‌اند. بر طبق این نظرات دلبستگی به مکان نه‌تنها توسط وجوه فیزیکی در یک مکان تقویت می‌شود بلکه کیفیت تعاملات اجتماعی در مکان نیز بر دلبستگی به مکان مؤثر هستند. امروزه وابستگی‌ها به‌طور چشمگیری در کلان‌شهرها به علل مختلفی همچون ورود فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی و اینترنت، اتومبیل و سایر وسایل حمل‌ونقل خصوصی، فاصله زیاد محل سکونت و محل کار از بین رفته است (تبریزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۶۶).

### فضای شهری مردم‌گرا و مردم‌گریز

در مورد مفهوم مردم‌گرایی تعاریف متعددی ارائه شده است که هر یک به جنبه‌ای از وجوه گوناگون آن اشاره کرده است. مردم‌گرایی در فضاهای شهری به نیاز مردم به دلبستگی و تعلق اجتماعی و تعامل شهروندان باهم بستگی دارد که تحقق این موضوع در یک فضای اجتماعی

حمایت‌کننده و همچنین تأمین آسایش فیزیولوژیکی و حس مالکیت ممکن می‌شود (مردمی و سراجی، ۱۳۹۳: ۴). در سازمان‌دهی مردم‌گرا امکان دیدارهای چهره‌به‌چهره وجود دارد و فاصله مکان‌های نشستن در حد فاصله‌های اجتماعی، مشورتی است. در مقابل سازمان‌دهی مردم‌گریز سبب عدم تمایل به برقراری تعامل اجتماعی می‌شود (موسی‌پور و خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۹). فضای مردم‌گرا فضایی سرزنده بوده که مردم به‌صورت داوطلبانه در آن حضور می‌یابند. فضاهایی غنی از حس آسایش که زندگی اجتماعی در آن جریان دارد، شهروندان با همسایگان خود در ارتباط‌اند، جایی که افراد در آن به مبادله احساسات و افکار خود با دیگران می‌پردازند و دارای ابعاد انسانی هستند (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۳).

### پیشینه نظری

به‌منظور شناخت عوامل تأثیرگذار و تحلیل ارتباط بین متغیرها تلاش شده است تا تحقیقاتی که به‌نوعی با حوزه اصلی پژوهش یعنی مردم‌گرایی در ارتباط هستند بررسی شوند. اولین بار اسموند (۱۹۵۷) از واژه‌های مردم‌گریز و مردم‌گرا در سال ۱۹۶۶ که مدیریت بیمارستان ساسکاچوان کانادا را برعهده داشت استفاده کرد. وی با بررسی روابط اجتماعی میان بیماران در فضاهای مختلف بیمارستان و تغییراتی که در چیدمان فضایی می‌داد، به بیان این دو نوع فضای مردم‌گرا و مردم‌گریز پرداخت و این واژه‌ها را بیانگر فضاهایی دانست که مردم را گرد هم می‌آورند یا از هم دور می‌کنند (تقی‌پور<sup>۱</sup> و حیدری<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). ادوارد تی هال<sup>۳</sup> (۱۹۸۲) این اصطلاحات را گسترش داده و تأثیرگذاری موقعیت موانع در فضاها را بر روابط بین مردم توصیف کرده است (میندل<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). هال عنصر فرهنگ را در فضاهای شهری مورد بررسی قرار می‌دهد و بر نقش مبلمان و مکان‌های نشستن در شکل‌گیری فضاهای مردم‌گرا تأکید می‌کند (نقی‌لو<sup>۵</sup> و فلاح<sup>۶</sup>، ۲۰۱۶). جدول (۱) شامل مفاهیم مربوط به مردم‌گرایی در آثار نظریه‌پردازان است.

1 Taghipour

2 Heidari Soureshjani

3 Edward T.Hall

4 Mindell

5 Naghiloo

6 Falahat

جدول ۱. مفاهیم مربوط به مردم‌گرایی در آثار نظریه‌پردازان

مفاهیم مربوط به مفهوم مردم‌گرایی			
تعریف	مفهوم	سال	نظریه‌پرداز
فضایی که تنوع کاربری و استفاده‌کنندگان در آن باشد.	سرزندگی	۱۹۶۱	جین جیکوینز <sup>۱</sup>
فضاهایی که مردم را گرد هم می‌آورند یا از هم دور می‌کنند.	فضای مردم‌گریز و مردم‌گرا	۱۹۶۶	اسموند
فضایی که مردم را به مکث و جمع شدن تشویق می‌کند و با چیدمان خود بر حضور تأکید می‌کند.	فضای مردم‌گرا	۱۹۶۶	ادوارد هال
نقاطی برای آرامش روانی انسان	فضای اجتماع‌پذیر	۱۹۶۹	نویترا <sup>۲</sup>
فضاهایی که به شهر و زندگی شهری کیفیت و شخصیت می‌دهد.	فضای شهری مردم‌گرا	۱۹۷۲	هالپرین <sup>۳</sup>
فضایی که مردم در آنجا ساعت‌ها باهم حرف می‌زنند یا خداحافظی‌های طولانی می‌کنند.	زندگی خیابانی	۱۹۸۰	ویلیام وایت <sup>۴</sup>
فضا دارای بنیادی شناختی بوده و پذیرای برخوردهای اجتماعی و تعاملات سازنده است.	فضای شهری پذیرای دیدار	۱۹۸۴	نوربرگ شولتز <sup>۵</sup>
فضایی که بتوانیم با همسایگان چهره‌به‌چهره دیدار کنیم و به‌طور مستقیم از راه حواسمان به تجربه‌اندوزی بپردازیم.	دعوت‌کنندگی فضا	۱۹۸۷	یان گل <sup>۶</sup>
مکانی دارای ابعاد انسانی که رفتارها و فعالیت‌های متنوعی در آن رخ می‌دهد.	مکان‌پذیرا	۲۰۰۵	جان لنگ
جایی که تعاملات اجتماعی پایین و در تضاد با اجتماع‌پذیری است و ترس بر چهره محل چیره شده است.	مکان‌های ترسناک	۲۰۱۰	متیو کرمونا <sup>۷</sup>

منبع: بختیار نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۰؛ علی پور و همکاران، ۱۳۹۶؛ مردمی و سراجی، ۱۳۹۳

1 Jacobs

2 Neutra

3 Halprin

4 Whyte

5 Norberg schulz

6 Gehl

7 Carmona

در ایران نیز، بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر اجتماع پذیری بوستان‌های محله‌ای»، توجه به نقش مکان در زندگی اجتماعی انسان‌ها و ضرورت توجه به فضاهای باز و عمومی چون بوستان‌های شهری، به عنوان بستر تعاملات اجتماعی و نقش آن در الگوهای تفریح و فراغت بسیار اهمیت دارد (کرمی و همکاران، ۱۳۹۷). در پژوهش دیگری نیز به «سنجش مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی و اجتماع پذیری در فضای شهری» پرداخته شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که معیارهایی مثل پیاده‌راه، ارتباط غیرکلامی و تعامل فضا و مکان، مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی بوده و باعث اجتماع پذیری در فضای شهری می‌شوند. برای رسیدن به این مؤلفه‌ها در طراحی فضای شهری، استفاده از شاخص‌هایی مانند سرزندگی، عمومی و خصوصی بودن فضا و غنی کردن تجربیات شهروندان پیشنهاد شده است (منصوری و جهان‌بخش، ۱۳۹۴). شجاعی و پرتوی (۱۳۹۴) به بررسی «عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقا اجتماع پذیری در فضاهای عمومی» با در نظر گرفتن مقیاس‌های مختلف فضای عمومی در شهر تهران پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که توجه به معیارهای اجتماع پذیری در حین برنامه‌ریزی و طراحی فضاها سبب ادامه حیات فضاها در مقیاس‌های مختلف می‌شود.

با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان گفت فضاهای باز و عمومی بستر تعاملات اجتماعی بوده و عناصر تجمع پذیر و خاطرات جمعی در ارتقای تعاملات اجتماعی مؤثر هستند. همچنین توجه به معیارهایی چون پیاده‌راه، ارتباطات غیرکلامی، تعامل فضا و مکان، سرزندگی و ... در حین برنامه‌ریزی و طراحی فضا می‌تواند بر اجتماع پذیری محلات سنتی مؤثر باشند. در ادامه مؤلفه‌های مؤثر بر مردم‌گرایی بررسی می‌شود.

### مدل مفهومی مؤلفه‌ها و ابعاد مؤثر بر مردم‌گرایی

مردم‌گرایی و یا به تعبیری اجتماع پذیری به عنوان یک مفهوم چندبُعدی جنبه‌های بی‌شماری دارد. تأکید اکثر نظریه پردازان بر ویژگی‌های فیزیکی و کالبدی بوده است، وایت در این باره سه موضوع را بیان داشته است: «قابل نشستن»، «خدمات غذایی‌فروشی» و «انتقال آسان از مسیر حرکت به مکان‌های توقف شهری». تأکید اصلی یان گل و همکارانش بر حواس و ابعاد انسانی برای تحقق یافتن فعالیت‌های ساده‌ای مانند راه رفتن، توقف کردن و نشستن، صحبت کردن و ملاقات کردن



است (نقی‌لو، ۱۳۹۵: ۲۲). به‌طورکلی عوامل مؤثر را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد: جنبه‌های «انسانی»، «محیطی» و «معنایی- ادراکی». عوامل انسانی، مربوط به استفاده‌کنندگان از فضا است، عوامل محیطی به فضای مورد استفاده افراد مربوط بوده و عوامل ادراکی-معنایی نیز حاصل برآیند دو عامل انسانی و محیطی است (نقی‌لو و فلاح، ۲۰۱۶: ۱۱۱۴). با توجه به عوامل متعدد مؤثر بر مردم‌گرایی فضای شهری، به‌دلیل اینکه عوامل محیطی مهم‌ترین و اصلی‌ترین ابزار دست طراحان و برنامه‌ریزان شهری برای خلق فضای شهری مردم‌گرا است، عامل محیطی از میان سه عامل ذکرشده انتخاب شده و در این پژوهش موردتوجه است. پس از بررسی منابع و پژوهش‌های ارزشمند مرتبط در رابطه با عوامل محیطی مؤثر بر مردم‌گرایی فضای شهری، درنهایت دو مؤلفه کالبدی و فعالیتی به دست آمد.

مؤلفه‌های کالبدی: مواردی مانند خلوت مطلوب، قلمرو، وضوح خوانایی، آسایش و امنیت را شامل می‌شوند. در هر محیطی فضای کالبدی به‌مثابه سامان‌دهی فضایی عمل می‌کند که این سامانه فضایی بر روابط اجتماعی تأثیر بسزایی دارد (پاسالار<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). از طریق سازمان‌دهی مطلوب فضاها و چیدمان فضایی می‌توان به سطح مطلوب و مناسبی از روابط اجتماعی و خلوت متناسب با فعالیت‌های فضاهاى موردنظر دست یافت (آرکیا<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹).

مؤلفه‌های فعالیتی: بارکر تعاملات اجتماعی در فضاهاى فعالیتی را به منزله قابلیت فضا معرفی کرده است (بارکر، ۱۹۶۸). دل‌بستگی و تعلق به مکان فقط از طریق ابعاد فیزیکی کالبدی تقویت نمی‌شود، بلکه کیفیت رفتارها و تعاملات اجتماعی در فضا نیز مؤثر هستند (پال<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). براین اساس می‌توان گفت ویژگی‌های فعالیتی فضاهاى شهری بر کیفیت و کمیت جذب شهروندان به‌منظور برقراری ارتباط در این فضاها تأثیرگذار هستند (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۳). پیش‌بینی و خلق رویدادهای خاص در فضا مانند نمایش‌های خیابانی و رویدادهایی از این قبیل که مردم را با یکدیگر پیوند می‌دهند، باعث افزایش جذابیت فضاها شده و موقعیت‌هایی برای برقراری ارتباط میان شهروندان ایجاد می‌شود (وایت<sup>۴</sup>، ۱۹۸۰).

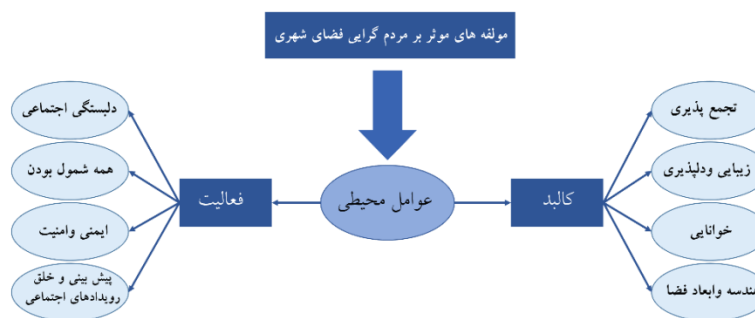
1 Pasalar

2 Archea

3 Poll

4 Wiliam Whyte

با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته و همچنین مواردی که در قسمت مؤلفه‌های مؤثر ذکر شد، یک مدل مفهومی که نشان‌دهنده مؤلفه‌ها و ابعاد و شاخص‌های مؤثر بر مردم‌گرایی فضای شهری است طراحی شد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

با توجه به هدف پژوهش سؤالاتی که در این نوشتار مطرح است، بدین صورت است:  
 سؤال اول: آیا میزان مردم‌گرایی در سه محله استادسرا، چله‌خانه و پیرسرا متفاوت است؟  
 سؤال دوم: چه عواملی بر سطح مردم‌گرایی مراکز محله‌های سنتی شهر رشت تاثیرگذارند؟  
 همچنین بر اساس مدل مفهومی ارائه شده و سؤالات پژوهش، دو فرضیه قابل بررسی است:  
 فرضیه اول: سطح مردم‌گرایی در سه محله استادسرا، چله‌خانه و پیرسرا متفاوت است.  
 فرضیه دوم: مؤلفه‌های دلبستگی اجتماعی، همه‌شمول بودن، پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی، تجمع‌پذیری، زیبایی و دلپذیری، خوانایی، هندسه و ابعاد فضا بر مردم‌گرایی محلات سنتی شهر رشت مؤثر هستند.

### روش پژوهش

روش تحقیق کلی در این پژوهش از نوع کمی و بر اساس هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی است. روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی بوده است. در این راستا اطلاعات مورد نیاز از کتب و مقالات مرتبط و همچنین بررسی اسناد

شهرداری رشت به‌دست آمد. جامعه آماری پژوهش کلیه ساکنان محلات سنتی شهر رشت بودند و محلات استادسرا، چله‌خانه و پیرسرا به‌عنوان نمونه آماری مورد بررسی قرار گرفتند. حجم گروه نمونه ۲۶۵ نفر از محلات ذکرشده به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. به‌منظور پاسخ دادن به سؤال اصلی تحقیق و دستیابی به عوامل مؤثر بر مردم‌گرایی محلات سنتی سؤالاتی در مورد چگونگی تأثیر مؤلفه‌های محیطی بر مردم‌گرایی با توجه به مبانی نظری تحقیق و مدل مفهومی ارائه‌شده، طرح شد. در ادامه در یک مصاحبه مقدماتی از جامعه آماری تعداد ۵۰ نمونه جمع‌آوری شد و بعد از محاسبه آلفای کرونباخ هر یک از مؤلفه‌های تحقیق، درنهایت یک مؤلفه تحت عنوان ایمنی و امنیت به‌دلیل ضریب آلفای منفی از ادامه روند مصاحبه و تحلیل حذف و ۷ مؤلفه با ۴۶ سؤال تدقیق شد. پرسشنامه تدقیق شده برای پژوهش حاضر دو بخشی بوده که بخش اول شامل مشخصات فردی پاسخگو و بخش دوم در قالب ۴۶ پرسش با مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت سنجیده شد. در تحلیل و ارزیابی این داده‌ها از آزمون کروسکال والیس، تحلیل عاملی تأییدی و روش حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم‌افزارهای اسمارت پی‌ال‌اس و اسپ‌اس بهره گرفته شد. همچنین روایی پرسشنامه با استفاده از روش اعتبار محتوا (تأیید استادان گروه شهرسازی) و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ تأیید شد. آلفای کرونباخ برای کل سؤالات این پرسشنامه ۰/۸۸۹ بود.

### محدوده پژوهش

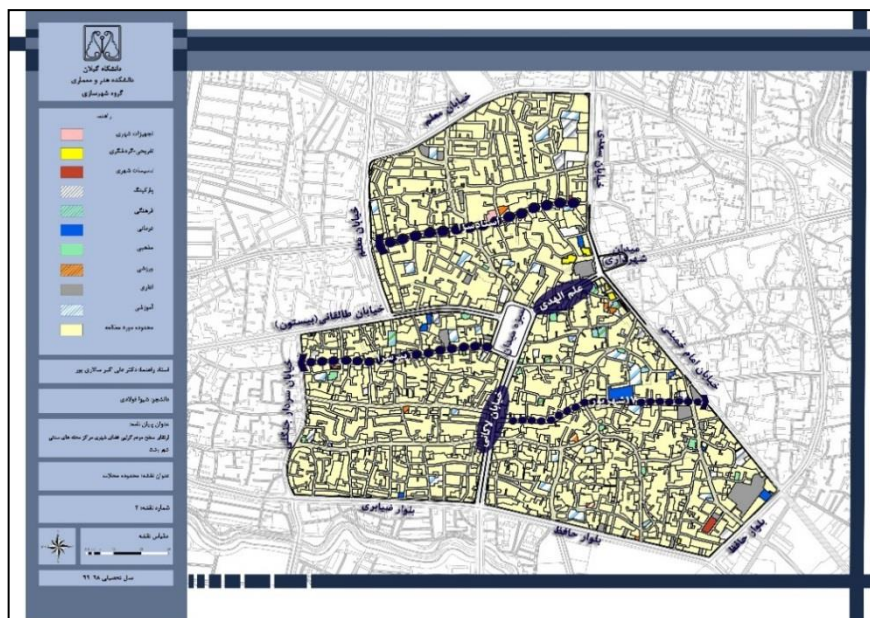
شهر رشت مرکز شهرستان رشت و استان گیلان است. محلات سنتی رشت در ادوار مختلفی از دوره صفویه تا پهلوی شکل گرفته و گسترش یافته‌اند. سه محدوده موردنظر بخشی از هسته اولیه شهر بوده و شامل بخشی از منطقه ۱ و بخشی از منطقه ۲ است.

محلّه میرزا کوچک خان (استادسرا): این محله به دو بخش شمالی (جدید) و جنوبی (قدیم) تقسیم می‌شود که قسمت شمالی از نظر کالبدی نسبتاً مطلوب است. این محله از شمال به بلوار معلم شرقی (ساختمان استانداری)، از شرق به خیابان سعدی، از جنوب به خیابان طالقانی (بیستون) و از سمت غرب به بلوار معلم محدود می‌شود.

محلّه چله‌خانه: این محله از شمال به خیابان علم‌الهدی، از شرق به خیابان امام خمینی، از جنوب به بلوار حافظ و از غرب به خیابان ۲۲ بهمن محدود می‌شود. ۹۶ درصد مساحت این

محدوده به کاربری مسکونی با تراکم متوسط تعلق دارد. محله چله‌خانه از محله‌های قدیمی رشت است و حدود قدمت آن ۱۰۰ سال است.

محله پیرسرا: این محله از شمال به خیابان طالقانی، از جنوب به بلوار ضیابری، از شرق به خیابان ۲۲ بهمن و از غرب نیز به خیابان سردار جنگل محدود می‌شود. در خیابان سردار جنگل وجود فعالیت‌های ناسازگار از قبیل دست‌فروشانی که از شهرهای اطراف به این مکان آمده‌اند، علاوه بر ایجاد سیمای شهری نامناسب، سبب سلب آسایش ساکنین شده است.



شکل ۲. محدوده مورد مطالعه (منبع: طرح جامع رشت، ۱۳۸۵)

### تحلیل و بحث

در پژوهش حاضر و با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده با نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس، از میان ۲۶۵ پاسخ‌دهنده، ۳۸/۵٪ را زنان و ۶۱/۵٪ را مردان تشکیل داده‌اند. همچنین ۳۵/۵٪ ساکن محله استادسرا، ۳۰/۶٪ ساکن چله‌خانه و ۳۴٪ ساکن محله پیرسرا بوده‌اند.

بنابر بخش مبانی نظری پژوهش، با بررسی منابع علمی موجود و تجارب خارجی و داخلی در زمینه ارتقای سطح مردم‌گرایی در نهایت ۷ مؤلفه و ۴۶ گویه به‌عنوان عوامل مؤثر بر مردم‌گرایی مطرح شدند.

نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف<sup>۱</sup> برای تمام متغیرهای مردم‌گرایی معنادار بوده ( $P < 0/05$ ) و در نتیجه دارای توزیع نرمالی نیست و باید از آزمون ناپارامتریک استفاده کرد. فرضیه اول: مردم‌گرایی در سه محلهٔ استادسرا، چله‌خانه و پیرسرا متفاوت است.

### آزمون کروسکال والیس

آزمون کروسکال والیس یا آزمون H، آزمون ناپارامتریک معادل تحلیل واریانس یک‌طرفه است که تفاوت رتبه‌ای سه یا بیش از سه گروه مستقل را نشان می‌دهد.

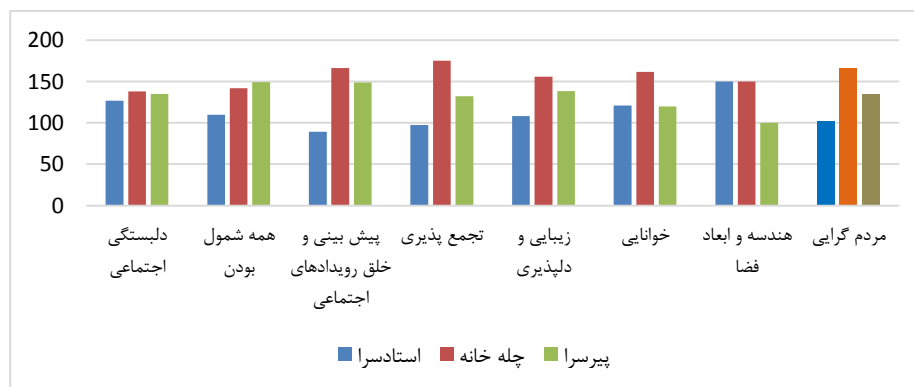
جدول ۳. نتایج آزمون کروسکال والیس

Sig	Df	Chi-Square	متغیر مستقل متغیر وابسته
۰/۵۸۰	۲	۱/۰۸۸	دلبستگی اجتماعی
۰/۰۰۱	۲	۱۴/۰۰۲	همه‌شمول بودن
۰/۰۰۰	۲	۵۰/۱۱۴	پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی
۰/۰۰۰	۲	۴۵/۲۷۳	تجمع‌پذیری
۰/۰۰۰	۲	۱۷/۳۷۶	زیبایی و دلپذیری
۰/۰۰۰	۲	۱۶/۵۳۳	خوانایی
۰/۰۰۰	۲	۲۵/۹۷۸	هندسه و ابعاد فضا
۰/۰۰۰	۲	۳۱/۰۰۵	مردم‌گرایی

براساس نتایج به‌دست‌آمده از بررسی متغیرهای «پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی»، «تجمع‌پذیری»، «زیبایی و دلپذیری»، «خوانایی» و «هندسه و ابعاد فضا» مقادیر sig برای هر چهار متغیر برابر با ۰/۰۰۰ است و می‌توان گفت سه محلهٔ استادسرا، چله‌خانه و پیرسرا تفاوت معناداری

1 Kolmogorov Smirnov

دارند و همان گونه که از مقادیر میانگین مشخص است، متغیرهای مذکور در محله چله خانه سطح نسبتاً بالایی داشته و محله استادسرا نسبت به دو محله دیگر سطح پایینی دارد. طبق نتایج آزمون کروسکال والیس و مقایسه میانگین متغیرهای مؤثر بر مردم گرایی در محلات سستی شهر رشت نشان می دهد که محله چله خانه تجمع پذیرتر بوده و در خلق رویدادهای اجتماعی پیشرو است. همچنین این محله از لحاظ خوانایی و زیبایی و دلپذیری و همه شمول بودن نیز در سطح بالایی نسبت به دو محله دیگر قرار دارد. نمودار زیر گویای این واقعیت است:



نمودار ۱. مقایسه میانگین متغیرهای مؤثر بر مردم گرایی در سه محله استادسرا، چله خانه و پیرسرا

بعد از بررسی هایی که برای هر کدام از متغیرهای مؤثر بر مردم گرایی انجام شد و سطح این متغیرها در نتایج آزمون کروسکال والیس برای متغیر مردم گرایی نشان داد که این متغیر در بین سه محله استادسرا، چله خانه و پیرسرا تفاوت معناداری دارد ( $\text{sig} = 0/000$ ). مطابق نمودار (۱) مشاهده می شود که میزان مردم گرایی در محله چله خانه بیشتر از دو محله دیگر بوده و محلات پیرسرا و استادسرا از لحاظ مردم گرایی به ترتیب در رتبه دوم و سوم قرار دارند بنابراین فرض اول پذیرفته می شود.

فرضیه دوم: مؤلفه های دلبستگی اجتماعی، همه شمول بودن، پیش بینی و خلق رویدادهای اجتماعی، تجمع پذیری، زیبایی و دلپذیری، خوانایی، هندسه و ابعاد فضا بر مردم گرایی محلات سستی شهر رشت مؤثر هستند.

### مدل تحلیل عاملی تأییدی

مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) و تکنیک‌های زیرمجموعه از جمله تحلیل عاملی تأییدی (CFA) به خانواده‌ای از فرایندهای قوی آماری گفته می‌شوند که به منظور آزمون روابط پیچیده بین متغیرها و فرایندها به کار می‌روند (ماتا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۰: ۶). بر اساس چارچوب نظری و مدل مفهومی ارائه شده، به منظور تبیین مؤلفه‌های کلیدی مؤثر بر ارتقای سطح مردم‌گرایی در مراکز محله‌های سنتی، تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار SMART PLS3 انجام شده است. نخستین گام در انجام تحلیل عاملی تأییدی طراحی مدل به صورت دیاگرام‌های مسیر مبتنی بر چارچوب نظری است، که در آن متغیرهای مشاهده شده در قالب مربع و متغیرهای نهفته در قالب دایره ترسیم می‌شوند و فرض بر این است که متغیرهای نهفته علت متغیرهای مشاهده شده هستند. طبق این جدول بین تمام متغیرها همبستگی مثبت وجود دارد و همبستگی بین متغیر پنهان مرتبه اول یعنی مردم‌گرایی و هفت متغیر مرتبه دوم کاملاً معنادار است و علاوه بر این، ارتباط میان متغیرهای مرتبه دوم نیز قابل توجه است.

جدول ۴. همبستگی متغیرهای پنهان در مدل پژوهش

همبستگی میان متغیرها	دلبستگی اجتماعی	همه شمول بودن	پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی	تجمع‌پذیری	زیبایی و دلبستگی	خوانایی	هندسه و ابعاد فضا	مردم‌گرایی
دلبستگی اجتماعی	۱/۰۰۰							
همه شمول بودن	۰/۲۸۲	۱/۰۰۰						
پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی	۰/۲۲۹	۰/۳۲۰	۱/۰۰۰					
تجمع‌پذیری	۰/۱۳۳	۰/۱۶۱	۰/۲۸۴	۱/۰۰۰				

1 Liliana Mata

ادامه جدول ۴. همبستگی متغیرهای پنهان در مدل پژوهش

همبستگی میان متغیرها	دلبستگی اجتماعی	همه شمول بودن	پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی	زیبایی و دلپذیری	خوانایی	هندسه و ابعاد فضا	مردم‌گرایی
زیبایی و دلپذیری	۰/۲۷۸	۰/۱۴۲	۰/۱۹۵	۰/۳۷۰	۱/۰۰۰		
خوانایی	۰/۱۹۵	۰/۲۲۶	۰/۱۶۳	۰/۳۱۰	۱/۰۰۰		
هندسه و ابعاد فضا	۰/۰۲۹	۰/۱۶۷	۰/۰۸۳	۰/۴۷۰	۰/۲۱۶	۱/۰۰۰	
مردم‌گرایی	۰/۶۸۲	۰/۵۲۳	۰/۴۹۹	۰/۵۹۵	۰/۵۸۷	۰/۴۹۲	۱/۰۰۰

فرایند ارزیابی و آزمون مدل در تکنیک معادلات ساختاری شامل سه مرحله: (۱) ارزیابی مدل اندازه‌گیری، (۲) ارزیابی مدل ساختاری و (۳) برازش کلی مدل است. به این صورت که نخست، از صحت روابط موجود در مدل‌های اندازه‌گیری (قسمت‌هایی که ارتباط بین متغیرهای پنهان و مشاهده‌شده را نشان می‌دهد) با استفاده از معیارهای پایایی و روایی اطمینان حاصل کرده و سپس به بررسی و تفسیر روابط موجود در بخش ساختاری (بخش‌هایی که ارتباط بین متغیرهای پنهان را نشان می‌دهد) پرداخته و در پایان نیز برازش کلی مدل پژوهش بررسی می‌شود. در پژوهش حاضر به منظور سنجش برازش مدل اندازه‌گیری از شاخص‌های پایایی و روایی همگرا استفاده شده است. معیارهای سنجش پایایی شامل ضرایب بارهای عاملی، پایایی مرکب<sup>۱</sup> و ضریب آلفای کرونباخ است و همچنین معیار سنجش روایی همگرا، میانگین واریانس استخراج شده<sup>۲</sup>، ضریب تعیین R Square و ضریب مسیر پیشنهاد می‌شود.

لازم به ذکر است که در بررسی اولیه مدل، تعدادی از پرسش‌ها که دارای بار عاملی کمتر از ۰,۶ و در نتیجه فاقد برازش نیکویی بودند، از ادامه روند تحلیل حذف شده و مدل نهایی مطابق شکل (۳) با ۳۰ پرسش مورد بررسی قرار گرفت.

1 Composite Reliability

2 Average variance extracted



با توجه به نتایج حاصل که در جدول ۵ درج شده، میانگین واریانس استخراج شده برای هر یک از هفت مؤلفه بیش از ۰/۵ و قابل قبول است. ضمن اینکه برای مناسب بودن برازش مدل اندازه‌گیری میزان پایایی مرکب مؤلفه‌ها باید بیشتر از ۰/۷ باشد. در نتیجه مدل اندازه‌گیری برازش قابل قبولی دارد. به منظور ارزیابی برازش مدل ساختاری از دو معیار ضریب تعیین R Square و ضریب مسیر استفاده شده است. نتایج ضریب تعیین نشان می‌دهد قدرت توضیح‌دهندگی مدل متوسط است و برازش مدل ساختاری نیز تأیید می‌شود. همچنین ضریب مسیر هر کدام از هفت متغیر اصلی نشان‌دهنده این است که مؤلفه‌های دلبستگی اجتماعی، تجمع‌پذیری، زیبایی و دلپذیری، همه شمول بودن، خوانایی، پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی و هندسه و ابعاد فضا به ترتیب حائز اهمیت بوده‌اند.

جدول ۵. ارزیابی معیارهای برازش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری

مؤلفه	شماره	بار عاملی	ضریب آلفای کرونباخ	پایایی مرکب	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)	ضریب تعیین R Square	ضریب مسیر
دلبستگی اجتماعی	SAT1	۰/۶۳۹	۰/۹۲۰	۰/۹۳۵	۰/۶۴۵	۰/۴۶۵	۰/۶۸۲
	SAT2	۰/۷۴۱					
	SAT3	۰/۸۳۹					
	SAT4	۰/۸۴۰					
	SAT5	۰/۸۴۲					
	SAT6	۰/۸۳۱					
	SAT7	۰/۸۴۵					
	SAT8	۰/۸۲۵					
همه شمول بودن	ALL2	۰/۶۶۹	۰/۶۹۶	۰/۸۱۴	۰/۵۲۴	۰/۲۷۴	۰/۵۲۳
	ALL3	۰/۷۰۰					
	ALL4	۰/۶۹۴					
	ALL5	۰/۷۹۹					
پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی	SOE1	۰/۸۳۰	۰/۷۳۵	۰/۸۴۵	۰/۶۴۶	۰/۲۴۹	۰/۴۹۹
	SOE2	۰/۸۰۸					
	SOE5	۰/۷۷۲					

ادامه جدول ۵. ارزیابی معیارهای برازش مدل اندازه گیری و مدل ساختاری

مؤلفه	شماره	بار عاملی	ضریب آلفای کرونباخ	پایایی مرکب	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)	ضریب تعیین R Square	ضریب مسیر
تجمع پذیری	ACC1	۰/۶۶۶	۰/۷۵۴	۰/۸۴۵	۰/۵۷۹	۰/۳۵۴	۰/۵۸۷
	ACC2	۰/۷۳۸					
	ACC3	۰/۷۶۷					
	ACC4	۰/۸۵۹					
زیبایی و دلپذیری	BAP2	۰/۷۱۸	۰/۶۸۰	۰/۸۲۵	۰/۶۱۲	۰/۳۴۵	۰/۵۹۴
	BAP6	۰/۷۷۹					
	BAP7	۰/۸۴۴					
خوانایی	REA1	۰/۷۳۰	۰/۷۰۶	۰/۸۱۸	۰/۵۲۹	۰/۲۵۳	۰/۵۰۳
	REA3	۰/۷۴۰					
	REA4	۰/۷۴۲					
	REA5	۰/۶۹۶					
هندسه و ابعاد فضا	GAD2	۰/۷۲۸	۰/۷۵۵	۰/۸۴۴	۰/۵۷۵	۰/۲۴۲	۰/۴۹۲
	GAD3	۰/۷۶۰					
	GAD4	۰/۷۷۰					
	GAD5	۰/۷۷۵					

همچنین برای بررسی برازش مدل کلی از معیار GOF که هر دو بخش مدل اندازه گیری و ساختاری را کنترل می کند، استفاده شده است. که میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه<sup>۱</sup> برای بررسی برازش بخش مدل اندازه گیری به کار گرفته می شود. اینکه چه مقدار از تغییرپذیری سنجها توسط سازه مرتبط با خود تبیین می شود را این معیار مشخص می کند.  $R^2$  نیز میانگین مقادیر  $R^2$  (Square) سازه های درونزای مدل است که برای بررسی برازش بخش ساختاری مدل به کار گرفته می شود و میزان قوت تأثیر سازه های درونزای مدل بر دیگر سازه ها را نشان می دهد.

$$GOF = \sqrt{\text{Communalities} \times R^2}$$

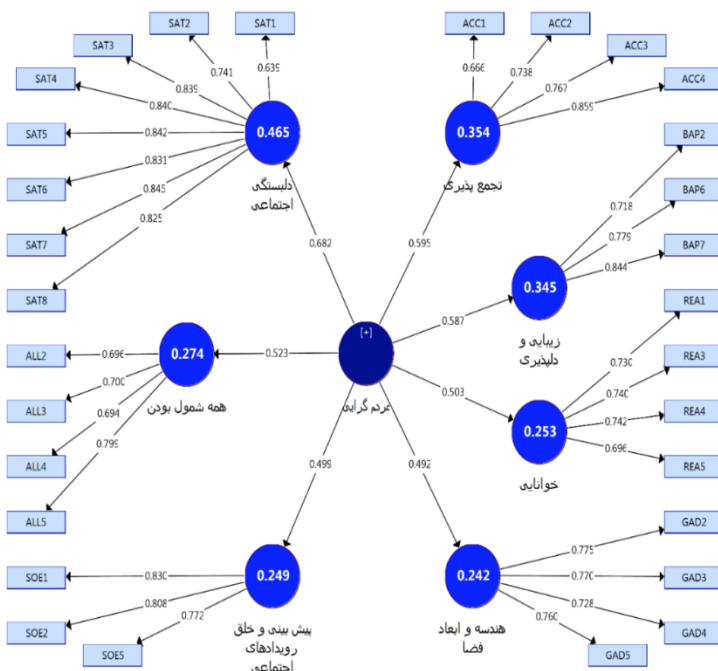
1 Communalities

در پژوهش حاضر میانگین مقادیر اشتراکی برابر با ۰/۳۰۴ و میانگین مقادیر ضریب تعیین ۰/۳۱۱ است.

$$GOF = \sqrt{0.304 \times 0.311} = 0.307$$

در نتیجه، مقدار معیار GOF برابر است با ۰/۳۰۷ که این مقدار با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ (وتزلز و همکاران، ۲۰۰۹) نشان از برازش نسبتاً قوی مدل دارد.

طبق تحلیل عاملی تأییدی، مدل پژوهش حاضر به صورت زیر تأیید شده و زیرمعیارهای تدقیق شده هر یک از معیارهای مؤثر بر مردم‌گرایی مشخص شده‌اند. با توجه به ضرایب مسیر (در شکل روی فلش‌هایی که از مردم‌گرایی به سمت متغیرهای پنهان وصل شده، مشخص شده) می‌توان گفت به ترتیب معیارهای دلبستگی اجتماعی، تجمع‌پذیری، زیبایی و دلپذیری، همه‌شمول بودن، خوانایی، پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی و هندسه و ابعاد فضا بر مردم‌گرایی محلات سنتی شهر رشت مؤثر هستند. در نتیجه فرض دوم نیز تأیید می‌شود.



شکل ۳- تحلیل متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش با استفاده از نرم افزار اسمارت پی‌ال‌اس

### بحث و نتیجه گیری

شهرها همواره متشکل از فضاهای مختلفی هستند که هر یک از این فضاها به منظور حمایت از فعالیت‌های فردی و اجتماعی شکل می‌گیرند. فضای شهری موفق فضایی است که سبب وقوع تعاملات اجتماعی بین شهروندان شود. در کشور ما، شهرهای قدیمی در اکثر موارد ساختار کالبدی مشابهی داشته‌اند، اما با توسعه شهر و استفاده بیش از حد اتومبیل از هم پاشیده است و ساختار جدید شکلی نامتعادل به خود گرفته که این عدم تعادل در مرکز تجمع شهر سبب بروز مشکلات اجتماعی بسیاری شده است. محلات مکان‌هایی هستند که شهروندان در آن‌ها حضور دارند و محملی برای زندگی جمعی آنان هستند. توجه به این مکان‌ها سبب ارتقای سطح سرزندگی می‌شود. امروزه در شهرهای ما محلات از مردم خالی شده و روابط دوستانه اهالی محله به قوت سابق نیست، مردم از تعاملات اجتماعی دل‌سرد شده‌اند و بیشترین فاصله اجتماعی، بین اهالی حاکم شده است. هدف اصلی پژوهش حاضر یافتن عواملی بود که سبب ارتقای سطح مردم‌گرایی در مراکز محله‌های سنتی شهر رشت می‌شود. با تجزیه و تحلیل و انجام تحلیل‌های آماری تأثیر هفت متغیر بر میزان مردم‌گرایی تأیید شد. این عوامل به ترتیب بیشترین میزان تأثیر عبارتند از: دلبستگی اجتماعی، تجمع‌پذیری، زیبایی و دلپذیری، همه‌شمول بودن، خوانایی، پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی، هندسه و ابعاد فضا. در این راستا، با توجه به تأیید نهایی مدل می‌توان گفت در محلات سنتی شهر رشت به منظور ارتقای سطح مردم‌گرایی توجه به زیرمعیارهای دلبستگی اجتماعی، تجمع‌پذیری، و زیبایی و دلپذیری حائز اهمیت بوده و لازم است در این زمینه تمهیداتی در نظر گرفته شود. همچنین ارتقای سطح معیارهای همه‌شمول بودن، پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی و هندسه و ابعاد فضا نیز در اولویت برنامه‌ریزی شهری قرار گیرد. برای ارتقای سطح این متغیرها و ارتقای سطح مردم‌گرایی در محلات سنتی استادسرا، پیرسرا و چله‌خانه در شهر رشت به ارائه پیشنهادهایی می‌پردازیم:

- حفظ و تقویت پاتوق‌هایی برای جمع‌های دوستانه یا خانوادگی با استفاده از تناسبات

کالبدی-فضایی

- ایجاد فضاهایی به منظور گذران اوقات فراغت برای گروه‌های سنی و جنسی مختلف

- تنوع در کاربری‌ها متناسب با گروه‌های مختلف اجتماعی

- طراحی میدانچه در مرکز محله جهت جذب مردم
- تقویت فعالیت‌های هنری و نمایشی در میدانچه
- در نظر گرفتن فضایی برای بازی کودکان در داخل محله
- استفاده از پله برای نشستن و استراحت کردن
- تقویت نورپردازی در نقاط خلوت و رهاشده محله
- استفاده بیشتر از عناصر طبیعی باهدف افزایش سرزندگی
- توجه به نمای ساختمان‌های داخل محله برای حفظ نظم و انسجام بدنه و افزایش زیبایی بصری.

جدول ۶. ارائه راهکارهایی در رابطه با ارتقای سطح مردم‌گرایی

راهکار	مؤلفه‌های مؤثر بر مردم‌گرایی	مؤلفه‌های فعالیتی
- ارتقای سطح رضایت از مکان - خلق فضاهایی مانند میدان به‌منظور دیدار با دوستان و آشنایان در مرکز محله - حفظ و تقویت پاتوق‌ها - افزایش سطح توانایی محله در تأمین نیازهای ساکنین - حفظ و تقویت نشانه‌های ذهنی جمعی باهدف خاطره‌انگیزی مکان	دلبستگی اجتماعی	
- کاهش موانع فیزیکی موجود در فضای شهری میان افراد ناتوان و توانا - ایجاد فضای بازی مناسب برای کودکان - فراهم کردن شرایط حضور تمام افراد، چه زن و چه مرد و تمام گروه‌های سنی - تنظیم فاصله قرارگیری مکان‌های مکث و استراحت در محله	همه‌شمول بودن	
- در نظر گرفتن فعالیت‌های مشارکتی در محله - فراهم کردن شرایط برگزاری جشن و مراسم در مواقع عید	پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی	

ادامه جدول ۶. ارائه راهکارهایی در رابطه با ارتقای سطح مردم‌گرایی

راهکار	مؤلفه‌های مؤثر بر مردم‌گرایی	
<p>-ایجاد فضاهای صمیمی و مقیاس کوچک</p> <p>-ایجاد مکان‌های نشستن با ویژگی مردم‌گرا و مردم‌گرایز (الگوی ماریچ)</p> <p>-استفاده از صندلی‌های قابل جابه‌جایی در مرکز محله</p> <p>- طراحی پله به‌منظور نشستن و استفاده در مواقع جشن و نمایش</p> <p>-ایجاد نقاط کانونی مانند استفاده از مجسمه اشخاص برجسته محله</p>	تجمع‌پذیری	
<p>- افزایش عناصر طبیعی در سطح محله باهدف ارتقای سرزندگی</p> <p>- کف‌سازی مناسب قدم زدن در نقاط تجمع و پیاده‌روها</p> <p>-ارتقای کیفیت محیطی فضای کوچه و خیابان در سطح محله</p> <p>-استفاده از نورپردازی و تزئینات در مرکز محله</p>	زیبایی و دلپذیری	
<p>-تعریف مسیرها و ورودی‌ها</p> <p>-تقویت عناصر شاخص موجود در محله</p> <p>-حفظ و تقویت نقاط تجمع شناخته شده</p> <p>-افزایش دسترسی پیاده</p>	خوانایی	
<p>-سازمان‌دهی فضاهای هم‌پیوند و محدب ریزفضاها</p> <p>-استفاده از میدان‌ها و گشودگی‌های فضایی</p> <p>-رعایت تناسبات الفاکنده مکث</p> <p>-استفاده از مواردی چون اختلاف سطح، نرده، دیوارهای کوتاه و ... برای تقسیم فضا به ریزفضاها</p>	هندسه و ابعاد فضا	

مؤلفه کالبدی

## منابع

- احقر، سیده‌مهسا؛ رادفر، بهاره (۱۳۹۴). بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی (مطالعه موردی: محله برج قربان همدان). *مطالعات محیطی هفت حصار*. سال چهاردهم، شماره ۱۴، صص ۱۵-۲۴.
- بختیارنصرآبادی، آمنه؛ بختیارنصرآبادی، حسنعلی؛ بختیارنصرآبادی، احمد (۱۳۹۰). تحلیلی بر فضای شهری مردم‌گرا و رابطه آن با رفتار شهروندی. *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*. شماره ۴۳، صص ۱۰۱-۱۱۴.
- تبریزی، امید؛ مختاباد، مصطفی؛ فیضی، محسن (۱۳۹۳). اثرات طراحی فضاهای شهری و معماری جمع‌گرا بر تعاملات و ارتباطات اجتماعی. *فصلنامه مدیریت شهری*. شماره ۳۷، صص ۲۵۷-۲۷۲.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ چرخچیان، مریم (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی. *ماهنامه باغ نظر*. شماره ۴، صص ۱۹-۲۸.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ سالاری پور، علی‌اکبر (۱۳۹۶). اولویت‌بندی راهبردهای ارتقای دلبستگی کودکان به محله گلزار شهر رشت با استفاده از QFD. *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونت‌گاه‌های انسانی*. دوره ۱۲، شماره ۱ (پیاپی ۳۸)، صص ۱۱۹-۱۳۷.
- رحیمی‌نژاد، فرزاد؛ تیموریان، محمد؛ پیرمحمدی، محمد (۱۳۹۵). بررسی نقش عناصر تجمع‌پذیر در تعاملات اجتماعی محله‌های سنتی. *مطالعات هنر و معماری*. جلد ۴، شماره ۴ و ۵ (پیاپی ۱۱ و ۱۲)، صص ۱۹۵-۲۰۱.
- سالاری پور، علی‌اکبر؛ رضانی، حمیدرضا؛ زالی، نادر؛ صفای کارپور، مریم (۱۳۹۷). بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایران اسلامی و نقش آن در دلبستگی به مکان (مطالعه موردی: محله ساغریسازان شهر رشت). *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*. شماره ۳۴، صص ۳۵-۴۷.
- شجاعی، دلارام و پرتوی، پروین (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقای اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران (مطالعه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران). *نشریه باغ نظر*. شماره ۳۴، صص ۹۳-۱۰۸.
- طرح جامع شهر رشت (۱۳۸۵). وزارت مسکن و شهرسازی. سازمان مسکن و شهرسازی استان گیلان. مهندسين مشاور طرح و کاوش.
- علی‌پور، سارا؛ صندوقی، علی؛ منوچهری، عباس (۱۳۹۶). تقابل اجتماع‌پذیری و اجتماع‌گریزی در فضاهای شهری. *سومین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری*. شیراز. مؤسسه معماری و شهرسازی سفیران راه مهرازی.

کریمی، اسلام؛ میکائیلی، رضا؛ پناهی، سیامند؛ محمدحسینی، پریسا (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری بوستان‌های محله‌ای (مطالعه موردی: بوستان‌های شهرک زعفرانیه تبریز). مجله هنر و معماری. مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره ۳۰، صص ۷۳-۸۴.

گیدنز، آنتونی (۱۳۹۰). گزیده جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان، نشر نی، چاپ ۱۳، صص ۱-۲۲۲.

مردمی، کریم؛ سراجی کرمانی، ساناز (۱۳۹۳). عوامل معماری تأثیرگذار در کیفیت اجتماع‌پذیری فضاهای تفریحی (مطالعه موردی: مجموعه فرهنگی باغ آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی). اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی. تهران. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر و معماری.

منصوری، سیدتاج‌الدین؛ جهانبخش، حیدر (۱۳۹۴). سنجش مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری در فضای شهری (مطالعه موردی: خیابان مدرس کرمانشاه). نشریه علمی‌پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران. شماره ۱۱، صص ۵۹-۶۵.

موسی‌پور، حمیدرضا؛ خسروشاهی، مهسا (۱۳۹۲). فضاهای شهری و عوامل تأثیرگذار بر حیات جمعی شهروندان. کنفرانس بین‌المللی عمران معماری و توسعه پایدار شهری. تبریز.

نقی‌لو، فاطمه (۱۳۹۵). طراحی میدان امام خمینی شهر ابهر با تأکید بر اجتماع‌پذیری فضاهای شهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری. دانشگاه زنجان. زنجان.

- Archea, J. (1990). *The place of Architectural Factors in behavioral theories of privacy*, in J.L.
- Braker, R.G. (1968). *Ecological psychology: concept and methods for studying the environment of Human behavior*. Stanford, California, Stanford University Press.
- Hall, E.T. (1982). *The Hidden Dimension*. New York, Anchor books, Cambridge University. pp 1-217.
- Lang, J. (2005). *Creation theory of architecture. The role of behavioral science in environmental design*. Translated to Persian by Aynifar, A. Tehran: University of Tehran.
- Lang, J. and Moleski, W. (2010). *Functionalism Revisited: Architectural Theory and Practice and the Behavioral Sciences*. Google Books.
- Mindell, S.J., Ancaes, P., Dhanani, A., Stockton, J., Jones, P., Haklay, M., Groce, N., Shaun, S., & Vaughan, L. (2017). Using triangulation to assess a suite of tools to measure community severance, *journal of transport geography*. vol 60.pp119-129.
- Mata, L., Clipa, O., & Tzafilkou, K. (2020). The Development and Validation of a Scale to Measure University Teachers Attitude towards Ethical Use of information Technology for a Sustainable Education, *Sustainability*. vol 12(15).pp 62-68.
- Naghiloo, F. & Falahat, M. (2016). The effect of Environmental Factors on sociopetality of urban spaces. *European Online Journal of Natural and Social Sciences*. Vol 5. No 4. pp 1111-1129.



- Osmond, H. (1957). Function as the basis of psychiatric Ward Design, Mental Hospital. Vol 8. pp 23-29.
- Pasalar, C. (2003). *The effect of spatial layout on students interaction in middle schools, multiple case analysis*. unpublished thesis for degree of doctor of philosophy, faculty of North California State university.
- Poll, E. (2002). the theoretical background of the city identity sustainability network, Environment and behavior. University of Barcelona. vol 34. pp 8-25.
- Taghipour, Sh. & Heidari, S. M. (2017). From sociopetal to sociofugal: a reverse procedure of Tehran urban spaces Rethinking future developments of shemiranat, *Journal of Urban Design and Mental Health*. Edition 3.
- Wetzels, M., Odekkerken-Schorder, G. & Van Oppen, C. (2009). Using PLS path modeling for assessing hierarchical construct models. Guidelines and empirical illustration. Vol .33(1). pp 177-195.
- Whyte, W. (1980). *Social Life of small urban space*. Conservation. Project for public spaces. US nonprofit organization for creating and sustaining public places. WWW.pps.org. (Accessed in 10 november 2014).